



عناصر تأثیرگذار در جهت‌گیری معنوی خانواده

سیدتقی قاضوی^۱

چکیده

معنویت حالت نورانی، ملکوتی و باطنی است که در اثر بندگی و اطاعت از دستورات خداوند و دوری از پلیدی‌ها در انسان ایجاد می‌شود. مسائل و امور مهمی که باید عناصر این سفر روحانی و ملکوتی باشد، عبارتند از رعایت تقوا و پرهیزکاری (انجام واجبات و دوری از گناهان)، روش‌های تربیتی و بینشی موثر بر معنویت، آراستگی به اخلاق و اوصاف پسندیده الهی و پیراستگی از اوصاف زشت و ناپسند، اخلاص و مراقبه که حقیقت معنویت و بندگی است، نظم و محاسبه و تلاش و مجاهده که هر کدام تأثیر و سهم بسزائی در این طریق دارد، توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) که راه‌گشا و کارگشا در هر مشکل و مسأله‌ای است، رفیق و همراه مناسب و نظیر آن که سبب ایجاد حالت معنویت در انسان می‌شود. شکل‌گیری همه این عناصر در بستر خانواده محقق می‌شود، ضمن آن که چالش‌های فراروی خانواده در عصر حاضر با دوری از معنویت در نظام خانواده عمیق‌تر می‌شود.

نوشتار حاضر درصدد است با تبیین علمی و عملی عناصر معنوی مبتنی بر معرفت دینی و سیره عملی پیشوایان اسلام راهبردهایی را برای تحکیم نظام خانواده ارائه نماید. ضمن آن که هدف اصلی آن کمک به تعادل و کارآمدی نظام معنوی خانواده است؛ چرا که عنصر معنویت بیش از هر عامل دیگری موجب توان‌مندی، رشد و ارتقاء نظام خانواده می‌باشد. **واژگان کلیدی:** معنویت، خانواده، عناصر معنویت، تحکیم نظام خانواده، راهنمای عملی



شواهد موجود در بررسی تاریخی پدیده خانواده نشان می‌دهد که اولین نهاد اجتماعی و مهم‌ترین واقعه در مسیر زندگی انسان خانواده بوده است. هم‌چنین این پدیده یکی از مراسم دینی به شمار می‌رفته است.^۱ و با ظهور ادیان مختلف، تحولاتی در وضع خانواده به وجود می‌آمد.^۲ با ظهور دین اسلام، اساس و بنیان‌های گذشته متحول شد و بنیان اجتماع بشر بر پایه خانواده قرار گرفت. در اسلام، شکل‌گیری سیستم خانواده معلول همسرخواهی انسان است. از دیدگاه قرآن، همسرخواهی بر اساس فطرت انسان صورت می‌گیرد. در وجود انسان زمینه‌ای از مودت و رحمت وجود دارد که بروز و ظهور آن فقط با شاکله خانواده امکان‌پذیر است.^۳ در اسلام هیچ بنایی نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج - که مقدمه تشکیل خانواده است - وجود ندارد.^۴

قرآن کریم، همان‌طور که انسان را موجودی دو بعدی و مرکب از جسم و روح می‌داند، هنگام پرداختن به نیازهای او مجموعه نیازهای جسمی و روحی اصیل او را نیز در نظر می‌گیرد. لذا این‌طور نیست که برخی از نیازها را برجسته کند و برخی دیگر را فراموش نماید. اسلام، هم به نیازهای مادی انسان توجه دارد، هم به نیازهای اخلاقی و معنوی او، هم به عقل او و هم به قلب و دل او. مازلو روان‌شناس شهیر انسان‌گرا معتقد است که زندگی معنوی، جوهر و اصل زندگی انسان است. انسان موجودی معنوی است و ریشه معنوی دارد و این خویشتن معنوی و روحانی است که عظمت او را می‌سازد. ما موجودی نیستیم که بخواهیم به معنویت برسیم ما اصلاً معنوی هستیم. معنویت در خانواده مستلزم دوست داشتن، توجه داشتن، مورد نیاز بودن، در جست‌وجوی حقیقت بودن و توجه به زیبایی‌ها و خوبی‌هاست.

بشر برای زیستن در جهان نیاز به یک «برای» دارد که اگر نباشد او نمی‌داند نیروی خود را به کدامین سمت و سو معطوف دارد و عمر خود را مصروف چه چیزی کند. اما همه سخن بر سر این است که این «برای» را از کجا می‌توان آورد؟ آیا باید در دل

۱. حسین نجاتی، نقش تربیتی پدر در خانواده: ۳۶.

۲. همان، ص ۳۷.

۳. احمد بهشتی، خانواده در قرآن، ۷۰.

۴. روضة‌المتقین، ج ۷، ص ۸۲.

نظام خلقت جست‌وجو کرد؟ آیا راه جست‌وجوی آن کتب دینی و مذهبی است؟ هر کس باید یک «برای» برای زندگی خود تعریف کند.^۱ معنوی بودن، مستلزم زندگی کردن به خاطر بلکه برای خداست. بنابراین معنویت عامل مهمی برای معنابخشی به زندگی است.

افزون بر آن در عصر پست‌مدرن، تبدیل شدن خانه‌ها به خوابگاه‌ها، ایجاد فاصله میان نسل‌ها، فرار دختران و پسران از خانه، کاهش امید به زندگی، رشد مصرف داروهای روان‌گردان و اعتیاد به مواد مخدر، ظهور و رشد پدیده تکنوپولی^۲ به معنای عقب‌نشینی فرهنگ از برخی ارزش‌هایش در مقابله با تکنولوژی، سلطه تربیت رسانه‌ای، بحران هویت^۳ رشد، میزان افسردگی و نظایر آن، نتایج بررسی اجمالی است که فصل مشترک غالب پدیده‌های مذکور، فقدان معنویت است (شرفی، ۱۳۸۲).

هزاره سوم میلادی را عصر ایمان و معنویت نیز خوانده‌اند، زیرا انسان معاصر طعم تلخ ابتذال و ناپیوستگی به مبدأ اعلی و بریدگی از منشأ آسمانی را چشیده و آماده عبور از این فترت تاریخی و مرحله بحرانی است. بحران معنویت^۴ بیماری بزرگ و کُشنده انسان عصر مدرنیسم است. بسامد واژه‌هایی مانند معنویت^۵ و معنوی^۶ در ادبیات همه ملل و اقوام معاصر، نشان از عزم جهانی برای بازگشت به ریشه‌های آسمانی خود دارد. حتی حوزه‌هایی مانند سیاست و مدیریت نیز در همه جوامع بشری، خواهان پیدا کردن نسبتی با معنویت‌اند؛ به گونه‌ای که به زودی شاهد حضور گفتمان معنویت در بسیاری از دانش‌های میان رشته‌ای^۷ خواهیم بود (بابایی، ۱۳۸۸).

۱. اعظم پویازاده، معنای زندگی از دیدگاه اسپینوزا و هابز واکر، پایگاه اطلاعات علمی، ص ۴۳.

2. technopoly
3. identification
4. Crisis of Spirituality
5. Spirituality
6. Spiritual
7. Disciplinary inter.



تعریف‌ها



معنویت: معنویت مصدر جعلی و از واژه «معنوی» ساخته شده است. معنوی نیز با افزودن یای نسبت به آن، از واژه «معنی» که خود مصدر میمی بوده و مفاد آن مقصود و مراد است، مشتق گردیده است. بنابراین، معنوی یعنی منسوب به «معنی» و در مقابل «لفظی» است. این کلمه در معانی دیگری از جمله: «حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی و روحانی» نیز به کار می‌رود. مترادف واژه «معنویت» در زبان انگلیسی، واژه spirituality است. این واژه خود از اسم لاتینی «spiritus» به معنای «نفس و دم» اخذ شده است. البته آن هم از «spirare» به معنای دمیدن یا نفس کشیدن گرفته شده است. در ترجمه‌های لاتین انجیل عهد جدید

«spiritualis» یا شاخص معنوی به کسی گفته می‌شود که زندگی او توسط روح‌القدس یا روح خدا منظم می‌شود و یا بر آن تأثیر می‌گذارد. واژه انتزاعی «spiritualitas» که همان «spirituality» یا معنویت می‌باشد، حداقل در اوایل قرن پنجم، به همین معنای مأخوذ از انجیل به کار رفته است. اما با شروع قرن دوازدهم، معنویت معنای ضمنی کم و بیش با کارکرد روان‌شناختی به خود گرفت که در مقابل جسمانیت یا مادیت بود.

با این حال، معنای دیگری به سرعت پدیدار شد که طبق آن معنویت بر اشخاص یا امکانات مربوط به کلیسا دلالت می‌کرد. در قرن هجدهم و نوزدهم کاربرد این واژه (spirituality) رو به افول گذاشت. این امر شاید بدان جهت بود که والتیرا و دیگران این واژه را به صورت تحقیرآمیز به کار بردند. این واژه تنها در اوایل قرن بیستم دوباره، با تجدید حیاتی که عمدتاً به کمک نویسندگان کاتولیک فرانسوی صورت گرفت، در معنای اصلی دینی یا نیایشی و به تدریج بر امور ویژه و گوناگونی اطلاق گردید. اکنون نیز حتی برخی حوزه‌های تحقیق مربوط به علم کلام و تاریخ ادیان را نیز نشان می‌دهد. در غرب واژه‌ای که برای این محتوا به کار رفته، «spirituality» می‌باشد که ریشه در دین مسیحیت دارد.

1. Voltaire.

اگر بخواهیم مرادف این واژه را در متون اصیل اسلام یا زبان اصلی اسلام بیابیم مناسب است به زبان عربی، فارسی یا ترکی مراجعه کنیم. اگر به این زبان مراجعه کنیم، می‌یابیم که واژگانی نظیر «روحانیت» و «معنویت» در مقابل این واژه به کار رفته‌اند. هر دو واژه برای «معنایی» که از قرآن به دست می‌آید تناسب دارند، زیرا هر دو کلمه ریشه عربی دارند و از قرآن و وحی گرفته شده‌اند. «روحانیت» از کلمه روح گرفته شده که در قرآن آمده و در مقابل جنبه مادی و فیزیکی انسان قرار داده شده است. «معنویت» نیز از کلمه «معنی» مشتق گردیده و به معنای باطن در مقابل ظاهر است.

بنابراین، روحانی و معنوی یعنی کسی که درگیر امور غیرمادی می‌باشد و به واقعیتی فراتر از ماده می‌پردازد و خود را به خود خدا منتسب می‌کند. به طور خلاصه، این واژه‌ها وقتی در میان مسلمانان به کار می‌روند، وارد شدن به حوزه روح و نزدیک شدن به خدا را به ذهن می‌آورند (نارویی، ۱۳۸۸).

معنویت در تعریف دیگری به مفهوم «معنا» است و در فارسی مترادف با واژه «چم» است. در محاوره، می‌گوییم: «چم‌وخم» فلان چیز را خیلی خوب می‌دانیم. معنویت، بخشی از انسانیت انسان است. استاد مطهری معنویت را نوعی احساس و گرایش ذاتی انسان به امور غیرعادی مانند: علم و دانایی، جمال و زیبایی، تقدیس و پرستش می‌داند که وجه تمایز انسان و موجودات دیگر می‌باشد (مطهری، ۱۳۷۲). معنویت حالت نورانی ملکوتی و باطنی است که در اثر بندگی خدا (اطاعت کامل از دستورهای خداوند) و دوری از پلیدی‌ها در انسان ایجاد می‌شود (علامه جعفری، ۱۳۸۱).

قدمت مفهوم معنویت، هم‌زاد خلقت انسان است. تاریخ بشر نشان داده است که معنویت، زندگی فرد را همواره از آغاز خلقت انسان تحت‌الشعاع خود قرار داده است (خداپناهی، ۱۳۷۸).

در فرهنگ لغات انگلیسی آکسفورد، ده صفحه اطلاعات مرجع در مورد مفهوم معنویت وجود دارد. معنویت به این صورت نیز تعریف شده است: چیزی که ما را به دیگران، طبیعت، و منبع زندگی متصل می‌کند. تجربه معنویت از خودمان مهم‌تر است





و به ما کمک می‌کند تا شرایط زندگی را متعالی سازیم. (فویر، اینگرسول، اوبرین، و مک‌نالی، ۲۰۰۱)

در یک جمع بندی از تعریف معنویت می‌توان گفت در متون دینی و نصوص نخستین، کلمه یا اصطلاح ویژه‌ای که بتوان آن را به معنویت ترجمه کرد، وجود ندارد، اما مجموعه‌ای از کلیدواژه‌ها و کلمات مهم در متون مقدس دینی به چشم می‌خورد که مراد و مفاد آن‌ها دور از معنای معنویت نیست. ایمان، پرهیزگاری، باورمندی، فضیلت‌گرایی و پای‌بندی به احکام و مناسک دینی، روح و کالبد معنویت‌اند و تفکیک آن‌ها از هم ممکن نیست.

بنابراین برداشت خاص فرد از معنویت هرچه باشد، نیرویی است که می‌تواند به فرد کمک کند تا به دنیا معنا دهد و برای زندگی خود مقصود پیدا کند. معنویت و مذهب، منابع مهم توانمندی برای خیلی از افراد هستند (شالوده یافتن معنا در زندگی) و عامل مهمی در تقویت سلامتی و شفا بخشیدن می‌باشند. برخی از افراد را نمی‌توان بدون درک کردن نقش اساسی اعتقادات و مناسک مذهبی یا معنوی، شناخت (جان‌گری ترجمه سید محمدی ۱۳۸۴). از سوی دیگر در میان ادیان و مذاهب، هیچ دین و مذهبی مانند اسلام در شئون زندگی مردم مداخله نکرده است. (مطهری، ۱۳۸۲).

خانواده: تاکنون تعاریف گوناگونی برای خانواده ارائه شده است که عموماً بر اساس دو نکته بیان گردیده:

۱. ساختارهای موجود خانواده که تاریخ از آن یاد کرده است؛
 ۲. انتظاراتی که از کارکرد خانواده بوده و هست.
- خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند، فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند. (قنادان، ۱۳۷۵).
 - خانواده همچون گروهی از افراد است که روابط آنان با یکدیگر بر اساس



- هم‌خونی شکل می‌گیرد و نسبت به یکدیگر خویشاوند محسوب می‌شوند.^۱
- خانواده گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خورده‌اند و کارکرد اجتماعی اصلی آن‌ها تولید مثل است.^۲
- هارلوک^۳ خانواده را به صورت یک سیستم متعامل و پیچیده تعریف می‌کند.^۴
- سازمان ملل متحد (۱۹۹۴) نیز در آمار جمعیتی خود، خانواده را چنین تعریف می‌کند:

«خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای اطلاق می‌شود که با هم زندگی می‌کنند؛ درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند. در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند. تمام خانوارها، هم خانواده نیستند.^۵

اولین مفهوم مشترکی که از مجموعه تعاریف ذکر شده و ده‌ها تعریف دیگر استنباط می‌شود، این است که خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است. یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد و قوام آن به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد. بنابراین، جهت تعالی و بیشتر شدن کارآیی خانواده، لازم است بر تحکیم پیوند و روابط اعضای آن تأکید شود. لذا تحکیم روابط در خانواده مهم‌ترین مسائل در سلامت و رشد فرد و هم‌چنین پویایی و توسعه همه‌جانبه در جامعه است.^۶

عناصر تأثیرگذار

عناصر مهم تأثیرگذار در جهت‌گیری معنوی خانواده؛ صداقت، حقیقت، توجه به رابطه حسنه و اعمال معنوی خانواده است. در منابع دینی به هر یک از این عناصر

۱. همان.
 ۲. باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی خانواده، بانک اطلاعات علمی کشور.

3. Elizabeth B.Hurlok.

۴. ناصر سقایی بی‌ریا و همکاران، روان‌شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، ص ۸۵۴.
 ۵. فرزانه نجاریان، عوامل مؤثر در کارایی خانواده، ص ۷۴، ۱۳۷۴.
 ۶. شهلا اعزاززی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۳۰.



تأکید فراوان شده است. بهشتی دین اسلام، تجانس و سنخیت در انسان بودن، ایمان و پاکی را در استحکام خانواده لازم می‌داند. مجموعه عناصری که در این مقاله آورده شده، از عناصر مهم معنوی است که موجب جهت‌گیری معنوی خانواده می‌شود؛ هرچند خرده عناصر دیگری نیز وجود دارد که نقش مهمی در این جهت‌گیری دارند. حضور عنصر معنویت مستلزم باور به یک نیروی برتر از جهان مادی است.

این باور موجب کوشش برای جهت‌مند کردن زندگی به سمت این نیروی برتر می‌شود. در حقیقت، ایمان به خداوند و اعتقادات دینی حاوی نیروی عظیمی است که می‌تواند فرد را در یافتن مفهومی منسجم و هدفمند از دنیا و معنادار کردن زندگی یاری نماید. (فرانکل، ۱۹۷۵، به نقل از شریفی‌نیا، ۱۳۸۷). هم‌چنان که فرانکل تأکید می‌کند برای درمان این خویشتن تهی شده، باید زندگی واجد معنا و معنویت گردد. ارزش‌های دینی همواره بالاترین ارزش‌ها را برای انسجام درونی و معنادهی به حیات فراهم می‌کنند. (آلبوت، ۱۹۵۱؛ ورتینگتون، ۱۹۸۹) آغاز و پایان معنویت در اسلام به خدا ختم می‌شود. اولین قدم در معنویت اسلامی، پذیرش موجودی برتر و تأثیرگذار تام در زندگی انسان و عالم هستی می‌باشد. بدون اعتراف به چنین واقعیتی، معنویت اسلامی شروع نمی‌شود. قرآن می‌فرماید: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»، اول و آخر و آشکار و پنهان اوست و او به هر چیز داناست.^۱ آیات اول سوره عصر نیز آغاز حرکت انسان را به نحو صحیح بیان می‌کند که با ایمان به خدا شروع می‌شود و با خصوصیات ویژه‌ای پایان می‌یابد. برخی خصوصیات آن به طور پراکنده در متون دینی آمده است؛ مثلاً در قرآن ویژگی‌هایی برای خدا ذکر شده که انسان در سیر معنوی خود دقیقاً به مفاد آن‌ها علم پیدا می‌کند، به گونه‌ای که دیگر شکی در وجود او باقی نمی‌ماند.

ویژگی‌های روانی او نیز صورتی خاص می‌یابد، به گونه‌ای که هیچ امری در زندگی، او را از یاد خدا باز نمی‌دارد، نفس آرام می‌شود و دیگر دغدغه‌ای سراغ او نمی‌آید. این که خدا فرموده: ما از رگ گردن به تو نزدیک‌تریم،^۲ چنین رابطه‌ای را در عالی‌ترین حد

۱. حدید / ۳.
۲. ق / ۱۶.



ممکن درک می‌کند و صفات جمال و جلال خدا را می‌فهمد و تسلیم محض می‌گردد و سؤالی برایش باقی نمی‌ماند؛ یعنی از آن نقطه‌ای هم که حضرت ابراهیم فرمود: خدایا به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می‌کنی،^۱ می‌گذرد و در مسیر مستقیم با سرعت و صفناپذیری در محضر خدا به حرکت در می‌آید. معنویت در اسلام به ویژه در میان شیعیان، حداقل در برخی مراتب آن، بدون واسطه میسر نیست.

عده‌ای می‌پرسند وجود اشیا یا اشخاصی که نقش واسطه را بین انسان و خدا دارند، در زندگی انسان چه نقشی دارند؟ اگر کسی در جایی بنشیند و همواره تلاش کند به یاد خدا باشد و بگوید: من می‌دانم خدا هست و از طرفی می‌دانم هدف تمام برنامه‌هایی که خدا فرستاده یاد خدا می‌باشد، من نیز به یاد خدا هستم، بنابراین چیز دیگری لازم ندارم، آیا معنویت مطلوب در اسلام به این صورت تحقق می‌یابد؟ خیر بلکه در اسلام گروهی معتقدند که بدون پیامبر و امام معصوم نمی‌توان به نهایت مطلوب انسانی دست یافت زیرا امام رضا علیه السلام فرمود: من از شروط کلمه «لا اله الا الله» هستم.^۲

بنابراین دقت در عناصر مهم جهت‌گیری معنوی، برای وصول به معنویت راهگشا خواهد بود. مهم‌ترین عناصری که در جهت‌گیری خانواده اهمیت دارند عبارتند از: رفتار، بینش، انگیزه و انگیزش، سنجش و پالایش افراد تأثیرگذار در خانواده که در این مقاله به طور اجمال به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. رفتار معنوی رعایت تقوا و پرهیزکاری (انجام واجبات و دوری از گناهان)

آموزش زندگی توأم با معنویت، بخشی از وظایف والدین نسبت به فرزندان محسوب می‌شود. خداوند، قبولی عبادات را مشروط بلکه محصور در داشتن تقوا دانسته و فرموده است: «أَمَّا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^۳ و اساس تقوا انجام واجبات و ترک گناهان و محرمات است. در غیر این صورت هر قدر شخص به اوراد و اذکار بپردازد، مستحبات را عمل کند، به خلوت و تنهایی و تفکر روی بیاورد، شب زنده‌داری کند، ریاضت بکشد، به نتیجه نخواهد رسید بلکه در آخرت، مورد سؤال و عذاب و قهر خداوند هم قرار خواهد

۱. بقره / ۲۶۰.

۲. رحیم نارویی نصرتی، معنویت، همزاد و همکام انسان نگاه دینی، روان‌شناختی، ص ۲۴.

۳. مائده / ۲۷.



گرفت، چون با امر خداوند مخالفت کرده است.^۱ در خانواده که هر یک از اعضای آن به نحوی بر دیگری تأثیر می‌گذارد، مجموعه‌ای از اعتقادات، آداب، رسوم و ارزش‌های اخلاقی، عاطفی و اجتماعی و در نهایت تربیت شکل می‌گیرد.

از این‌رو خانواده یکی از عوامل موثر در تربیت معنوی قرار می‌گیرد. تحقیقات (دولاهایت^۲ و مارکز^۳ ۲۰۰۵) نشان می‌دهد که باورها و رفتار معنوی و مذهبی در شکل‌گیری رفتار مثبت در خانواده نقش دارد. این محققان با ۷۲ خانواده بسیار مذهبی مسلمان، مسیحی و یهودی مصاحبه‌های مبسوط، عمیق و تحلیلی را انجام دادند. آن‌گاه به این نتیجه رسیدند که این خانواده‌ها، عواملی مانند توکل به خدا، حل تعارضات روحی با دعا، انجام اعمال و مراسم مذهبی، بخشودن یک‌دیگر، پرهیز از گناه و هم‌چنین ایثار و فداکاری را از مسائل مهم در تسریع رشد معنوی فرزندان دانسته‌اند. این دو محقق، کودکان و نوجوانان ۱۰ تا ۲۰ ساله این خانواده‌ها را نیز مورد سنجش و سؤال قرار دادند. نتایج نشان داد که رفتارهای مذهبی و عادات مثبت در کودکان و نوجوانان خانواده‌های مذهبی بیشتر از کودکان و نوجوانان خانواده‌های غیر مذهبی است. کودکان و نوجوانان مصاحبه‌شونده، اذعان داشتند که گرایش‌های معنوی و منش اخلاقی آن‌ها، غالباً به علت آموزه‌های والدینشان و ارائه الگوهای رفتاری مناسب از سوی آنهاست.

مطالعات و تحقیقات (کوزینسکی^۴ ۲۰۰۳) نشان می‌دهد که در روند رشد کودکان و یادگیری مسائل زندگی از سوی آنان، والدین نیز متقابلاً تحت تأثیر فرزندان قرار می‌گیرند و تغییراتی در رفتارشان ایجاد می‌شود. از جمله این‌که فرزندان بر نحوه تفکر معنوی والدین تأثیر می‌گذارند و در مواردی آنان را به تأمل بیشتر در آموزه‌های مذهبی ترغیب می‌کنند.

تحقیقات داک دال و استابروک بر روی دو خانواده متفاوت نشان داد که در تاریخچه ۱۲۰۰ نفری جوک که پدری جنایتکار بود بیش از ۱۱ درصد (۱۴۰) نفر جنایت‌کار

۱. عبدالله جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۰۰.

2. dollahite

3. marka

4. kuzynski

بودند، ولی در خانواده ادواردز که در تقوا و پرهیزکاری مشهور بود هیچ یک از افراد نسل این خانواده بزهکار نشده‌اند؛^۱ بنابراین نقش والدین در انجام رفتارهای معنوی بسیار مهم است.

این که مردم در قضاوت‌های خود، رفتارهای مختلف کودک را به حساب پدر و مادر کودک می‌گذارند، حاکی از واقعیت‌هایی است که از مطالعات فراوان به دست آمده است. والدین با اعمال روش‌های تربیتی خود که در جوامع مختلف و زمان‌های گوناگون بسیاری متنوع است جهت‌دهنده تربیت کودک محسوب می‌شوند. لذا می‌توانند نقش بهترین الگو را به عهده داشته باشند، چرا که کودک از والدین خود خصوصیات اخلاقی، عقیدتی، شخصیتی و دیگر گرایش‌ها و نگرش‌ها را می‌آموزد و در این زمینه از آنان تقلید می‌کند. همچنین چگونگی تعامل هم‌سالان با یکدیگر را می‌توان ناشی از پیشینه روابط آنان با والدین خود دانست. بنابراین خانواده‌ها نقش بسیار مهمی در آینده معنوی فرزندان خود دارند.

۲. روش‌های تربیتی و بینشی مؤثر بر معنویت

تردیدی نیست که والدین بر اساس ویژگی‌هایی که مایلند فرزندشان داشته باشند، روش‌ها و الگوهایی را به منظور تربیت آنان اتخاذ می‌کنند، به همین علت آن‌ها می‌خواهند بدانند که چگونه باید باشند و کدام ارزش اخلاقی، اجتماعی و معیارهای رفتاری را رعایت کنند تا فرزندشان از آن‌ها بهره‌مند شوند.

بامریند^۲ خانواده را به سه نوع کلی دسته بندی کرده است: سهل‌گیر، سخت‌گیر، مقتدر.^۳

الف) خانواده سهل‌گیر: از ویژگی‌های این خانواده، بی‌توجهی به آموزش رفتارهای اجتماعی است. در این‌گونه خانواده‌ها به طور کلی قوانین بسیار محدودی وجود دارد و افراد نسبت به اجرای قوانین و آداب و رسوم اجتماعی چندان تقیدی ندارند و هر کس هر کاری بخواهد می‌تواند انجام دهد و دخالت

۱. مهدی علیزاده، نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری، ص ۱۷.

2. Diana Bumrind.

۳. ناصر سقایی بی‌ریا و همکاران، روان‌شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، ص ۸۷۱.





در کارهای یک‌دیگر معنا ندارد زیرا در خانواده سهل‌گیر به تعداد افراد خانواده نظر وجود دارد.

البته کودکان این نوع خانواده‌ها دارای استقامت فکری و عملی هستند و به سبب هرج و مرج، نوعی تزلزل روحی در آن به چشم می‌خورد، زیرا هر کس تنها به منافع خود توجه دارد نه به عموم خانواده. همین تزلزل هم باعث بی‌بند و باری کودکان و احساس مسئولیت نکردن آن‌ها می‌گردد. در نتیجه این کودکان قادر به زندگی اجتماعی نیستند و در جامعه بزرگ‌تر، همیشه با مشکلات اخلاقی و اجتماعی مواجه می‌شوند.

ب) خانواده سخت‌گیر و مستبد: در خانواده‌های مستبد بر قدرت والدین بیش از اندازه تأکید می‌شود، والدین برای اجرای دستورهای خود، اطاعت بی‌چون و چرا می‌خواهند و لزومی برای ارائه دلیل نمی‌بینند. فرد مستبد که غالباً پدر است، تصمیم گیرنده و تعیین کننده وظایف دیگر اعضای خانواده است و آن‌چه مطابق میل و دل‌خواه خود اوست انجام می‌دهد.

ج) خانواده مقتدر: منظور از خانواده مقتدر خانواده‌ای است که کودک را به شیوه‌ای که در نظر او اطمینان‌بخش و قاطع است آزاد می‌گذارد. در چنین خانواده‌ای فرزند به استقلال و آزادی فکری تشویق می‌شود، در حالی که نوعی محدودیت و کنترل از طرف والدین بر او اعمال می‌گردد. والدین هر گاه کودک را از چیزی منع کنند و یا از وی انتظاری خاص داشته باشند، مسأله را برای او خوب تبیین می‌کنند و دلیل آن را ارایه می‌دهند. در چنین خانواده‌ای تقسیم کار وجود دارد، به طوری که هر یک از اعضا مسئولیتی را می‌پذیرد و در تصمیم‌گیری‌ها و تقسیم درآمدها، رفت و آمدها، روش زندگی و دیگر مسائل بر اساس مشورت و پیروی از مبنای عقلی و مصلحت‌اندیشی، رفتار می‌کند.

یکی از مسایل تأثیرگذار در تحکیم نظام خانواده، شیوه تربیتی والدین در خصوص امور معنوی است. یکی از مددجویان زندانی که مدت یک‌سال تحت درمان مولف بوده، نظام خانوادگی خود را این‌گونه ترسیم می‌کند:

... همان‌طور که به تدریج بزرگ می‌شدم، طبق سنت خانواده‌های مذهبی، تربیت دینی و مذهبی من هم شروع شد. تربیت که چه عرض کنم، بهتر است بگویم جبر دینی. اگه دروغ بگی می‌ری ته جهنم؛ اگه فلان کنی می‌ری وسط جهنم؛ اگه بهمان کنی خدا پوستت رو می‌کنه و ... نمی‌دانم چرا از خدا بیزار شده بودم ولی جرأت گفتن آن را نداشتم. من خدا را موجودی جبار، منتقم، عذاب‌دهنده و ترسناک می‌دیدم و به همین خاطر همیشه از او فرار می‌کردم، زیرا او خدایی بود که می‌خواست همه را در جهنم‌اش بسوزاند.^۱

بنابراین نقش خانواده در معرفی الگوی عملی بسیار مهم است. بررسی نمونه‌های عینی مرتبط با ارائه الگوهای رفتاری خانواده نشان می‌دهد که غفلت رفتاری و تحمیل امور معنوی والدین، نقش مهمی در تزلزل و انحراف اعضای خانواده دارد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده‌اند: خدا رحمت کند کسی که فرزند خویش را در نیکی به خود، یاری دهد. پرسیدند: چگونه این کار را انجام دهد؟ فرمودند: آن چه کودک مطابق نیرو و توانایی خود انجام داده، از او بپذیرد و از آن چه خارج از توان اوست درگذرد و از او نخواهد و او را به حیرت نیفکند.^۲ حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: برای قلب‌های شما حالت اقبال (روی‌آوری و نشاط نسبت به عبادت) و حالت ادبار (عدم میل و اشتیاق و نشاط نسبت به انجام عبادت) وجود دارد. پس در هنگام روی‌آوری قلب، عبادات را انجام دهید و در حال عدم میل و اشتیاق، با نفس خود مدارا کنید و نفس خود را مجبور به تحمل عبادات مستحبی نکنید.

مردی با آن که پدرش از مؤمنان بود، خدا و معاد را انکار می‌کرد و به هیچ یک از اصول و فروع مذهبی پای‌بند نبود. شخصی از او پرسید: چه شده است که با داشتن چنین پدر مؤمن و با تقوایی، چنین هستی؟ جواب داد: اتفاقاً پدرم باعث شده است که چنین باشم. یادم می‌آید زمانی که هنوز کودک نوپایی بودم، هر سحر، پدرم با زور مرا از خواب بیدار می‌کرد تا وضو بگیرم و مشغول نماز و دعا شوم. این کار آن قدر بر من سنگین و طاقت‌فرسا می‌آمد که کم‌کم از عبادت و نماز متنفر گردیدم و با آن که

۱. نامه یکی از مددجویان به نویسنده، ۱۳۸۵.

۲. «رحم الله من اعان ولده علی بره، قال کیف بعینه علی بره؟ قال یقبل میسوره و یتجاوز عن میسوره ولا یرهقه ولا یخرق به» (کافی). به نقل از: محمدتقی فلسفی، روانشناسی کودک، ج ۲، ص ۳۵.





سال‌ها از آن ماجرا می‌گذرد، هنوز به هیچ‌یک از مقدسات و معتقدات مذهبی، علاقه‌ای ندارم.^۱

بنابراین نباید سبک‌های تربیتی والدین - که الگوی عملی اعضای خانواده هستند - را در ارتقاء سطح معنوی خانواده نادیده گرفت. نکته مهم دیگر این است که در خانواده‌های طالب معنویت نیز ممکن است این اتفاق رخ دهد؛ مثلاً عضو مؤثر خانواده می‌خواهد بر اساس الگوی تربیتی معنوی، روز به روز به خدای متعال نزدیک شود تا در جوار او قرار گیرد، لذا اعمال عبادی زیادی را انجام می‌دهد. لذا اکثر اوقاتش را صرف دعا و ندهب و گریه می‌کند و برخی ملزومات عادی زندگی مانند خواب، خوراک و ... را ترک می‌کند. در نتیجه توجه به اعضای خانواده و معاشرت با آنان ضعیف می‌شود. در این نوع خانواده نیز ممکن است الگوی تربیتی معکوس بروز کند. پس عضو تأثیرگذار در خانواده باید به‌گونه‌ای رفتار کند که کسب معنویت و انجام امور معنوی در خانواده موجب بروز مشکل و ایجاد آفت نگردد.

۳. انگیزه و انگیزش معنویت در خانواده

انگیزه معنوی، یک انگیزه روانی است که ریشه در سرشت انسان دارد، زیرا انسان در اعماق وجود خود انگیزه‌ای احساس می‌کند که او را به تحقیق و تفکر درباره آفریدگار خویش و جهان هستی و عبادت و چاره‌جویی از او و پناه بردن به او وامی‌دارد و در هنگام فشار و مشکلات و گرفتاری‌های زندگی از او کمک می‌خواهد. برخی از آیات قرآن این موضوع را که انگیزه دینداری و معنوی، یک انگیزه فطری است روشن می‌کنند: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ پس تو ای رسول! مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که در خلقت خدا هیچ تغییری نباید داد. این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند.^۲

۱. سید مهدی شمس‌الدین، اخلاق اسلامی، ص ۷۸.
 ۲. روم / ۳۰.

خداوند در این آیه یادآوری می‌کند که در فطرت، یعنی در آفرینش و سرشت انسان، نوعی استعداد فطری وجود دارد که می‌تواند شگفتی‌های مخلوقات خدا را درک و از طریق آن‌ها بر وجود یگانگی خدا استدلال کند. در سرشت انسان، استعداد فطری خداشناسی و یکتاپرستی وجود دارد. بنابراین اعتراف به خداوندی خدا، ریشه در فطرت انسان دارد و از ازل در اعماق روحش وجود داشته است. اما آمیخته شدن روح با جسم و سرگرم شدن انسان به خواسته‌های جسمی و غیره - که لازمه زندگی دنیوی و زمینی است - باعث شد تا این شناخت و آگاهی نسبت به خدا و استعداد فطری یکتاگرایی، در معرض غفلت قرار گیرد و نیز توسط احساس ناخودآگاه انسان، به کناری نهاده شود. در آموزه‌های اسلامی برای گزینش همسر شایسته بر ویژگی دین و ایمان و انگیزه معنوی هر یک از زوجین بسیار تأکید شده است.

زنان مشرک را تا ایمان نیاورده‌اند، به زنی مگیرید و کنیز مؤمن بهتر از زن آزاد است؛ هرچند زیبایی او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند زن مؤمن ندهید و برده مؤمن بهتر از مرد آزاد مشرک است؛ هرچند شما را به شگفت آورد.^۱

داشتن ایمان، یک باور بلکه انگیزش معنوی در انسان است. ممکن است یکی از ارکان خانواده مانند مرد دارای این ویژگی باشد، ولی همسر او از آن بی‌بهره باشد. برای مثال، قرآن کریم از همسر حضرت نوح و حضرت لوط یاد می‌کند که تحت سرپرستی آنان بودند، ولی ایمان نداشتند و از نظر مکتبی و فرهنگی خیانت کردند و به پیامبر خویش ایمان نیاوردند. قرآن این دو زن را الگوی مردم بد معرفی کرده است.^۲ گاهی نیز ممکن است در خانواده‌ای زن دارای ویژگی دین و ایمان باشد و شوهرش از آن بی‌بهره باشد.^۳ بنابراین انگیزش معنوی در خانواده بسیار مهم است. اعتقاد به معنویت، احساس مسئولیت آدمی را در قبال زندگی و دیگران افزایش می‌دهد. به همین سبب، والدین معنوی نسبت به فرزندان و آینده‌شان، احساس مسئولیت قوی‌تری دارند و می‌کوشند تا به نحوی نیازهای معنوی آنان را تأمین کنند.

۱. بقره / ۲۲۱.

۲. تحریم / ۱۰.

۳. تحریم / ۱۱.



از جمله عواملی که به بیداری و فعال شدن انگیزه دینداری در انسان کمک می‌کند، وجود خطرهایی است که در برخی اوقات، او را تهدید می‌کنند و تمام راه‌های نجات را در برابرش می‌بندند، به طوری که هیچ گریزگاهی به جز پناه بردن به خدا ندارد. در این جاست که انسان با همان انگیزه فطری به سوی خدا کشیده می‌شود و از او برای برطرف کردن خطر، کمک و یاری می‌جوید. خداوند در این مورد می‌فرماید: «قُلْ مَنْ يُنَجِّبِكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَاَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ»؛ بگو ای پیامبر، آن کیست که شما را از تاریکی‌ها و سختی‌های بیابان و دریا نجات می‌دهد که او را به تضرع و زاری و از باطن قلب می‌خوانید که اگر ما را از این مهلکه نجات داد، پیوسته شکرگزار او هستیم.^۱

گاهی انسان تمایلات و انگیزه‌های نامطلوب و یا نگران کننده‌ای در خود احساس می‌کند و می‌کوشد تا آن‌ها را از حوزه شعور و احساس خود دور سازد که این امر در نهایت، منجر به نابودی و بایگانی آن‌ها در ضمیر ناخودآگاه انسان می‌شود. اما بسیار اتفاق می‌افتد که انسان، همین تمایلات و انگیزه‌ها را به طور ناخودآگاه و در شکل لغزش‌های زبانی و اشتباهات کلامی آشکار می‌سازد.

قرآن به برخی انگیزه‌های ناخودآگاه که در درون انسان وجود دارد و او می‌کوشد تا آن‌ها را کتمان کند، چنین اشاره می‌فرماید: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَتَفَهِقْتَهُمْ بِسِمَاتِهِمْ وَتَتَفَرَّقَنَّهُمْ فِي نَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ»؛ آیا آنان که در دل، مرض (انفاق پنهان) دارند، پنداشتند که خدا کینه درونی آن‌ها را بر اهل ایمان آشکار نمی‌سازد؟ و اگر ما بخواهیم قطعاً حقیقت آنان را به تو می‌نمایانیم تا به باطن آن‌ها از سیمای ظاهرشان بی‌پرده و در طی سخن، آن‌ها را کاملاً بشناسی و خدا به همه کارهای بندگان شما آگاه است.^۲

بنابراین انگیزه‌های آگاه و ناخودآگاه معنوی افراد در جهت‌گیری خانواده اثربخش است. بسیاری از فرزندان بدون این که خاطراتی از اجبار والدین به داشتن ایمان داشته باشند، دارای انگیزه ایمانی قوی هستند. گزارش این افراد حاکی از این است که والدین آن‌ها دارای انگیزه معنوی بسیار قوی بوده‌اند.

۴. وضعیت‌سنجی درجات معنوی در خانواده

اخلاص و مراقبه، مغز و حقیقت معنویت و بندگی است. نظم و محاسبه و تلاش و مجاهده در امور معنوی بسیار لازم و ضروری است و از امور حتمیه در کسب معنویت است. چنان که امام کاظم علیه السلام فرموده‌اند: از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود نرسد و عملکرد خود را بررسی و محاسبه نکند، تا ببیند اگر عمل صالح و نیک انجام داده، از خدا بیشتر تشکر کند که چنین توفیقی به او مرحمت کرده است و اگر گناه و عمل زشت انجام داده، از خداوند طلب آمرزش کند و توبه و بازگشت نماید.^۱

البته باید محاسبه اعمال طبق مراقبه‌ای باشد که شخص خود را موظف به مراعات آن کرده است؛ مثلاً اگر مراقبه دارد که عبادات را برای کسب خشنودی و رضایت خداوند انجام دهد و مرتکب معصیت و گناه هم نشود، باید محاسبه کند که در طول روز آیا عباداتش را برای رضا و خشنودی خداوند انجام داده است یا خیر؟ در صورتی که موفق نبوده، از خداوند طلب آمرزش و بخشش کند. در قرآن وضعیت خانواده‌های معنوی، سنجش شده و با عناوینی ارزشمند بیان گردیده است؛ عناوینی که حاکی از طهارت ظاهر و باطن اعضای خانواده است. نمونه خانواده معنوی در قرآن، خانواده حضرت یحیی علیه السلام است. او نمونه‌ای از فرزند صالح در خانواده‌ای شایسته است. خانواده حضرت موسی علیه السلام نیز از این جمله است. او پدر و مادری نمونه دارد. چنان که همسر او (دختر حضرت شعیب علیه السلام) نیز دارای صلاحیت‌های اخلاقی و معنوی فراوانی است که قرآن کریم نجابت و حیای او را ستوده است: «فَبَجَّاهُهَا إِخْدَاهُمَا تَمِثِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۲.

قرآن، اهل بیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان نمونه‌ای کامل از خانواده معنوی معرفی و صلاحیت‌الگوی آن را برای جهانیان امضا کرده است. خداوند سبحان این خانواده را از هرگونه رجس و پلیدی مبرا دانسته است: «وَقَرْنِ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۵۳.

۲. قصص / ۲۵.



عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱

هم‌چنین سوره انسان، فضیلت‌های آنان را ستوده است. در زیارت‌نامه امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: گواهی می‌دهم که تو از گوهرهای پاک و از ارحام مطهری، جاهلیت به ناپاکی‌هایش شما را آلوده نساخت و لباس‌های ناپاک خود را بر اندام شما نپوشاند. بنابراین جهت‌گیری خانواده مرهون وضعیت‌سنجی مستمر و دخالت مستقیم اعضا در مراقبت و کنترل معنوی است، تا اگر ناپاکی و ناصداقتی بر پیکره خانواده سایه افکند با شعور معنوی زدوده شود.

۵. افزایش سطح تحمل و بردباری خانواده

صبر و شکیبایی خصیصه‌ای قلبی و پیش‌نیاز مداومت و استمرار امور معنوی است که می‌توان با تمرین دقیق آن را گسترش داد. قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام، بردباری را بهترین الگو برای شناسایی خانواده معنوی معرفی کرده است. در خانواده معنوی هیچ کدام از زن و شوهر در برابر سختی‌های زندگی جزع و بی‌تابی نمی‌کنند. آن‌ها ناملایمات زندگی را هدیه‌های خدا بر خویش می‌شمارند، در وقت دارایی خدا را سپاس می‌گویند و هنگام نداری و فقر، صبوری پیشه می‌کنند. ثمره زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام «بِغلامِ حَلِيمٍ»^۲ یعنی فرزند حلیم و صبور بیان شده است. حضرت ابراهیم علیه السلام همسرش هاجر را به همراه فرزند خردسالش به سرزمینی بی آب و علف آورد.^۳ همسرش مرات‌ها و رنج‌های بسیاری را برای فرزند خود تحمل کرد. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل دخترش فاطمه علیها السلام آمد. دید روی زمین نشسته و با دستی فرزندش را در آغوش گرفته، شیر می‌دهد و با دستی دیگر گندم‌ها را آسیاب می‌کند. اشک در چشمانش حلقه زد و فرمود: دخترم! تلخی‌ها و مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و سعادت بهشت بر خود گوارا ساز! حضرت فاطمه علیها السلام در جواب پدر، مراتب سپاس خود را این‌گونه اعلام کرد: فاطمه زهرا تمام مشکلات زندگی مشترک را به



۱. احزاب / ۳۳.

۲. صافات / ۱۰۰، ۱۰۱ و ۱۰۲.

۳. ابراهیم / ۳۲.

جان خریده و به آن راضی است و هیچ وقت زبان به گله و شکایت نگشود.

حضرت زهرا علیها السلام از این که خداوند سبحان نعمت‌های فراوانی به او ارزانی داشته، شوهری هم چون امام علی علیه السلام نصیبش کرده، فرزندانمانند حسنین علیهم السلام و زینبین به او داده، همواره خدا را شکر می‌کرد.

روزی سلمان فارسی فاطمه علیها السلام را با چادری پاره و پُر وصله از لیف خرما دید که به دیدار پدر بزرگوارش می‌رفت، تعجب کرد و از شدت ناراحتی گریست و عرض کرد: دختران کسرا و قیصر در حریرند و دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله چادری ساده و پشمینه با دوازده وصله بر سر دارد!۱۹

وقتی فاطمه علیها السلام به خدمت پدر رسید، شگفتی سلمان را مطرح کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به سلمان فرمود: ای سلمان! در خانواده برتر، چیزی جز خدا زن و شوهر را راضی نمی‌کند. از این رو، تمام جهت‌گیری‌های زندگی آن‌ها برای جلب رضایت خداوند است و گزینش شیوه زاهدانه در زندگی نیز به همین منظور است.^۱ بنابراین موفق‌ترین و والاترین چهره‌های معنوی، زندگی سرشار از صبر و بردباری داشته‌اند. از سوی دیگر نوع برداشت و قضاوت هر یک از افراد نسبت به یک‌دیگر موجب جهت‌گیری معنوی یا غیر معنوی افراد در خانواده خواهد شد، از این رو پیش‌زمینه اصلی صبر و بردباری در برابر مشکلات و سختی‌ها که شالوده‌گرایش معنوی خانواده است پالایش افکار و تحمل در بیان قضاوت‌های تکانشی است. بنابراین اعضای خانواده باید پیش از هر گونه قضاوت به والایش و پالایش موضوع بپردازند، چرا که در افزایش بردباری اعضا و ایجاد رابطه معنوی آن‌ها مؤثر است.

روزی یکی از آشنایان سقراط او را دید و گفت: سقراط! آیا می‌دانی من چه چیزی درباره همسرت شنیده‌ام؟ جواب داد: یک لحظه صبر کن، قبل از این که چیزی به من بگویی، مایلم که از یک آزمون کوچک بگذری. این آزمون، پالایش سه‌گانه دارد. آن شخص پرسید: پالایش سه‌گانه؟ سقراط گفت: درست است، قبل از این که درباره همسر حرف بزنی، خوب است چند لحظه وقت صرف کنیم و ببینیم که چه می‌خواهی بگویی. اولین مرحله پالایش، حقیقت است. آیا تو کاملاً مطمئن هستی که آن چه می‌خواهی





درباره همسر من بگویی حقیقت است؟ گفت: نه، در واقع من فقط آن را شنیده‌ام. سقراط گفت: بسیار خوب، پس تو واقعاً نمی‌دانی که آن حقیقت دارد یا خیر. حالا بیا از مرحله دوم بگذر، مرحله پالایش خوبی. آیا آن چه می‌خواهی درباره همسر من بگویی چیز خوبی است؟ گفت: نه، برعکس. سقراط گفت: پس تو می‌خواهی چیز بدی را درباره او بگویی، اما مطمئن هم نیستی که حقیقت داشته باشد. اما مرحله پالایش سودمندی. آیا آن چه می‌خواهی درباره همسر من بگویی، برای من سودمند است؟ گفت: نه، حقیقتاً نه. سقراط نتیجه‌گیری کرد و گفت: اگر آن چه می‌خواهی بگویی، نه حقیقت است، نه خوب است و نه سودمند، چرا اصلاً می‌خواهی به من بگویی؟ (صاحبی، ۱۳۸۷)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. اعزازی، شهلا، جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶.
۲. افروز، غلامعلی، روان‌شناسی خانواده: همسران برتر، سازمان انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۴.
۳. افروز، شریفی‌نیا، طباطبایی، مقایسه اثر بخش دو روش درمان یک‌پارچه توحیدی و شناخت درمانی در کاهش رفتار مجرمانه زندانیان قم، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی (علمی - پژوهشی) دانشگاه تهران، سال ۳۷، شماره ۳.
۴. بابایی، رضا، آسیب‌شناسی معنوی، به نقل از سایت تبیان، ۱۳۸۸.
۵. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.
۶. بی‌ریا و دیگران، روان‌شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، انتشارات سمت، ۱۳۷۵.
۷. پویازاده، اعظم، معنای زندگی از دیدگاه استیسی و هاب واکر، سایت نور، ۱۳۸۲.
۸. جعفری، محمدتقی، در محضر حکیم، انتشارات مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران، ۱۳۸۱.
۹. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۷۷.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، ۱۳۶۱.
۱۱. خنیفر، حسین و پورحسینی، مزده، مهارت‌های زندگی، مرکز نشر هاجر، قم، ۱۳۸۵.
۱۲. رحیمی یگانه، زهرا، خانواده شاد و با نشاط، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، تهران، ۱۳۸۶.
۱۳. روزن باوم، هایدی، خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه دکتر محمدصادق مهدوی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۶۷.
۱۴. ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی خانواده، سروش، تهران، ۱۳۷۹.
۱۵. سالاری‌فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (دانشگاهها سمت)، تهران، ۱۳۸۴.
۱۶. سیرز، ویلیام، مادر و پرورش فرزند، کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز)، تهران، ۱۳۷۴.
۱۷. شرفی، محمدرضا، معنویت در خانواده امروز، به نقل از سایت نور، ۱۳۸۱.
۱۸. شرفی، محمدرضا، گسست نسل‌ها، مجموعه مقالات، پژوهشکده فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۲.
۱۹. شمس‌الدین، سید مهدی، اخلاق اسلامی، ص ۷۸.
۲۰. صافی، احمد، خانواده متعادل و نامتعادل، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران ۱۳۸۲.
۲۱. قنادان، منصور، جامعه‌شناسی، مفاهیم کلیدی، آوای نور، تهران، ۱۳۷۵.
۲۲. قریشی‌راد، ف، دیدگاه اسلام در روان‌شناسی رشد، انتشارات احراز، تبریز، ۱۳۷۶.





۲۳. علیزاده، مهدی، نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲.

۲۴. ع.ه. از نابودی تا بهبودی، نامه یکی از مددجویان زندان مرکزی قم به نویسنده (قاضوی)، ۱۳۸۵.

۲۵. مندنی پور، خانواده، معنویت و اخلاق. مجله آفتاب یزد ۱۳۸۱/۱۰/۳.

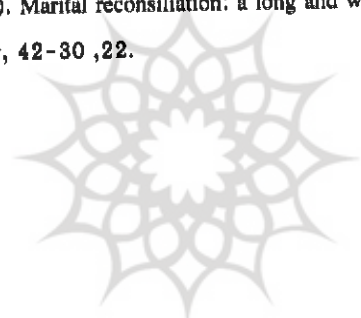
۲۶. ناروئی نصرتی، رحیم، معنویت، همزاد و همگام انسان نگاهی دینی - روان‌شناختی، به نقل از سایت تبیان، ۱۳۸۸.

۲۷. نجاتی، حسین، نقش تربیتی پدر در خانواده: نشر ژرف، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۲۸. نجاریان، فرزانه، عوامل مؤثر در کارایی خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد).

29. Dudley, M. G, and kosinski, F. A, (1990). Religiosity and marital satisfaction: A research tote. Review of Religious Research, 86-3278.

30. Holeman, V. T. (2003). Marital reconciliation: a long and winding road. Journal of psychology and christinity, 42-30, 22.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی